**وضعيت نظارت حرفه‌ای بر کار حسابرسان**



 **پديدآورنده:  دکتر جواد بستانيان**

**مقدمه**
استفاده‌کنندگان از گزارشهای مالی، که تصميم‌های خود را بر پايه اطلاعات مندرج در آن گزارشها بنا می‌کنند، همواره با اين خطر مواجهند که آن اطلاعات به‌درستی ارائه نشده باشد. حسابرسی برای ايجاد اطمينان نسبت به اطلاعات گزارش شده به‌وجود آمده است و استفاده‌کنندگان از گزارشهای مالی انتظار دارند که با استفاده از سازوکار حسابرسی، اطمينانی معقول به‌دست آورند که در گزارشهای مالی تحريفی بااهميت وجود ندارد. در نتيجه کيفيت حسابرسی اهميت زيادی دارد. خطری که استفاده‌کنندگان در برخورد با گزارشهای مالی حسابرسی‌نشده با آن روبه‌رو می‌شوند، به‌مراتب کمتر از آن است که هنگام استفاده از گزارشهای حسابرسی‌شده ولی با کيفيت حسابرسی پايين، مواجهند. زيرا در حالت اول، آنان از خطر‌های استفاده از گزارشهای حسابرسی‌نشده آگاهی دارند ولی در هنگام استفاده از گزارشهای مالی که با کيفيت پايين حسابرسی شده‌اند، بيهوده به اطلاعات مندرج در گزارشها اطمينان می‌كنند.

**ضرورت نظارت بر موسسه‌های حسابرسی**
اگر با ديدگاه اثباتی نگاه کنيم، حسابرسان همواره خواهان آن هستند که خواسته‌های صاحبکاران، يعنی واحدهای تجاری مورد رسيدگی، را براورده کنند. در غير اين صورت، هم در کوتاه‌مدت و هم در بلندمدت مشتريان خود را از دست خواهند داد. زيرا آنان حق‌الزحمه خود را از کسانی دريافت می‌کنند که وظيفه ذاتی حسابرس در مقابل آنان، گزارش کردن تحريفهايی است که به خواسته آنان ايجاد شده است.
با اين ديدگاه حسابرسان فقط در زمانی در مورد تحريف گزارشهای مالی در مقابل خواسته صاحبکاران ايستادگی خواهند کرد که هزينه آن قابل تحمل باشد؛ يعنی هزينه گزارش نکردن تحريف‌ها بيش از هزينه گزارش کردن آنها باشد. همانطور که بيان شد، هزينه گزارش‌کردن تحريف‌ها يا وادار کردن صاحبکاران به اصلاح گزارشهای مالی، در کوتاه‌مدت و بلندمدت، از دست دادن کارها است و هزينه‌های گزارش نکردن تحريف‌ها تنها از راه نيروهای مقابل ايجاد می‌شود. نيرو‌های مقابل عبارتند از:
الف- الزام حسابرس به جبران خسارت وارده در اثر کوتاهی او در انجام وظيفه،
ب- هزينه‌هایی که در صورت کوتاهی حسابرس به‌وسيله نيروهای نظارت‌کننده بر کار حسابرس، به او تحميل می‌شود.
سازوکار الزام حسابرس به جبران خسارت که در برخی از کشورها از جمله ايالات متحد امريکا اهرمی بسيار قوی برای درستکاری حسابرسان است، در کشور ما تقريباً وجود ندارد. بنابراين نقش نظارت برکار حسابرسان در کشور، بسيار برجسته می‌شود. يادآوری اين نکته ضروری است که درکشورهايی که طرح موضوع کوتاهی حسابرسان در دادگاه انجام‌شدنی است، باز هم سازوکار نظارتی مراجع حرفه‌ای و مراجع نظارتی دیگر پابرجاست و در بسياری از موارد موسسه‌های حسابرسی مجبور می‌شوند جرايم قابل ملاحظه‌ای برای کوتاهی خود پرداخت کنند.
به اين ترتيب نيروی کششی زيانهای مادی و معنوی ناشی از کوتاهی حسابرسان در انجام وظيفه در مقابل نيروی کششی ديگر، که مربوط به نگرانی نسبت به از دست دادن صاحبکاران است، عمل می‌کند و تا حدودی موجب خنثی شدن آن نيرو می‌شود. از آن‌جا که موسسه‌های حسابرسی در غياب نظام پاسخگويی کارا، علاقه‌ای به رعايت کيفیت حسابرسی ندارند و اين وضعيت با افزايش تعداد موسسه‌های حسابرسی و تشديد رقابت، بدتر می‌شود، وظيفه اصلی مرجع نظارت حرفه‌ای با اهميت‌تر می‌شود.

**ساختار نظارت حرفه‌ای**
ماده 28 اساسنامه جامعه حسابداران رسمی توجيه نظارت حرفه‌ای جامعه مزبور را اطمينان از ارتقای کيفيت خدمات حرفه‌ای اعضا، هماهنگی در روشهای انجام امور حسابرسی و بازرسی قانونی، افزايش کيفيت گزارشهای حسابداران رسمی و موسسه‌های حسابرسی و پيشگيری از رفتار ناسازگار با شئون حرفه‌ای بيان کرده است. انجام نظارت جامعه بر فعاليت حرفه‌ای اعضا از طريق کارگروه‌های تخصصی ذيربط با نظارت ارکان صلاحيت‌دار جامعه تعيين شده است و بر طبق ماده 30 اساسنامه، هيئت‌مديره موظف شده است حداقل هر سال يک بار چگونگی فعاليت حرفه‌ای هريک از اعضا را رسيدگی کند.
بر طبق آيين‌نامه نظارت حرفه‌ای نيز، جامعه حسابداران رسمی ايران مکلف شده است کنترل کيفیت در سطح موسسه‌های حسابرسی را هر سال حداقل يکبار و کنترل کيفيت کار حسابرسی از هر عضو را حداقل هر سه سال يکبار انجام دهد.
جامعه حسابداران رسمی ايران نظارت در سطح موسسه‌ها را به‌طور مرتب انجام داده ولی نظارت مربوط به کنترل کيفیت در سطح کار حسابرسی طبق مقررات آيين‌نامه انجام نشده است. در حالی‌که اين وظيفه از مهمترين وظايف جامعه است و جامعه می‌توانست به‌جای گسترش تعداد کارگروه‌ها، به آن بخش از کارها که بيشتر به موضوعات صنفی نزديک است، وارد نشود و در عوض نيروهای خود را در حوزه کنترل کيفيت متمرکز کند.
عدم اجرای اين بخش از وظيفه اصلی، علاوه بر آن که موجب سلب اطمينان از انجام درست کار حسابرسی شده، باعث شده که نهادهای ديگر در موضوع کيفيت حسابرسی ترديد، ورود و مداخله کنند. از جمله وزارت امور اقتصادی و دارايی به اين نتيجه رسيده است که براساس بند «ت» ماده 16 اساسنامه که، قاعدتاً بايد به‌صورت استثنا مورد توجه قرار می‌گرفت، هيئت عالی نظارت را که طبق اساسنامه وظيفه رسيدگی و اظهارنظر درباره درستی اطلاعات مندرج در گزارش عملکرد سالانه هيئت‌مديره و صورتهای مالی جامعه و نظارت بر فعاليت‌های جامعه از جمله کارگروه‌های تخصصی را داشته، به‌طور تمام وقت در جامعه منصوب کند و وظيفه نظارت حرفه‌ای را که بايد توسط هيئت‌مديره جامعه انجام و به وسيله شورای عالی کنترل می‌شد، به هیئت و همکارانی که در اختيار آن قرار می‌گيرد، واگذار کند. اگر جامعه وظيفه خود را براساس آيين‌نامه نظارت حرفه‌ای به‌درستی انجام می‌داد، حضور تمام وقت هيئت عالی نظارت و انجام تکليف موازی با همکاران ديگر ضرورت نمی‌يافت.
اگرچه ممکن است اين استدلال مطرح شود که نظارت حرفه‌ای بر کار حسابرسان بايد توسط مرجعی مستقل از جامعه انجام شود، به‌نظر می‌رسد مهمتر از آن، اراده واقعی برای نظارت حرفه‌ای و ايجاد شرايطی است که در آن همه حسابرسان چنين برداشت کنند که فقط با رعايت ضوابط رفتار حرفه‌ای می‌توانند به فعاليت خود ادامه دهند. در حال حاضر تعداد اشخاص مسلط به امور حرفه و آيين رفتار حرفه‌ای آن و نيز مسلط به استانداردهای حسابداری و حسابرسی که قادر باشند بر رفتارها و تصميم‌های اعضا نظارت و در نتيجه در مورد آنها قضاوت کنند، آن‌قدر نيست که حتی در درون تشکل حرفه‌ای حسابرسی بتوانند اين امور را انجام دهند، چه رسد به آن‌که علاوه بر افراد شاغل در حرفه و در جامعه حسابداران رسمی، بتوان افراد ديگری را برای اين وظايف درنظر گرفت.
در هر حال، وظيفه اصلی جامعه حسابداران رسمی ايران، نظارت حرفه‌ای بر کار اعضا است و اگر احتمالاً نقصی در اين مورد باشد، بايد ريشه‌های آن را در فرهنگ عمومی کشور جستجو کرد، زيرا جامعه، هم وظيفه، هم توانايی و هم امکانات لازم را برای انجام اين کار در اختيار دارد. جامعه حسابداران رسمی ايران می‌تواند با پرهيز از ورود به موضوعات صنفی، استقلال خود را به درستی حفظ کند و وظايف نظارتی خود را آن‌چنان انجام دهد که نيازی به ورود ديگران در حوزه نظارت حرفه‌ای که کاری موازی است، نباشد.
موضوع مهمی که در نظارت حرفه‌ای مطرح است، آن است که اشخاص مسئول و انجام‌دهنده نظارت حرفه‌ای و نيز اعضای هيئت‌های انتظامی بايد به بالاترين درجه واجد شرايط صلاحيت حرفه‌ای يعنی دانش، استقلال و بی‌طرفی باشند. نظارت حرفه‌ای و تنبيهات انضباطی هنگامی موثر و کارا است و مورد قبول عموم اعضا قرار می‌گيرد که اشخاصی که در انجام اين امور دخالت و مسئوليت دارند، ضمن آن‌که دانش کافی برای انجام وظيفه خود داشته و سابقه انجام کار حسابرسی را نه در زمانهای دور يا در رده‌های پايين، بلکه در رده‌های بالا و در زمانی که هنوز درک شرايط آن کار از ميان نرفته، داشته باشند، از همه‌ سوگيری‌هايی که می‌تواند در قضاوت آنان موثر باشد، دور باشند.
مثلاً يکی از عواملی که موجب سوگيری تصميم‌گيرندگان می‌شود، توانايی ايجاد ارتباط بهتر و شيرين‌تر توسط حسابدار رسمی با مديران موسسه مورد بررسی است. قدرت سياسی و اجتماعی از ديگر عناصری است که می‌تواند بر تصميم اشخاص بررسی‌کننده اثر بگذارد. عناصر ديگری نيز در فرهنگ خاص جامعه ما وجود دارد که موجب سوگيری می‌شود که يکی از مهمترين آنها احساس گذشت و بخشش درمورد اشخاص ضعيف و موسسه‌های کوچک است.
علاوه بر آن، همه‌ حسابرسان بايد به‌طور عادلانه مشمول نظارت حرفه‌ای قرار گيرند. اگر گروهی از حسابرسان به‌دلايل توجيهی غيرقابل قبول از چتر نظارت خارج شوند، بی‌عدالتی محسوب می‌شود و اين امر شالوده پذيرش نتايج نظارت را در درون حسابرسان ديگر به چالش خواهد کشيد.

**کيفيت حسابرسی در ايران**
کيفيت حسابرسی در ايران، به نظر نگارنده، مطلوب نيست. يکی از دلايل کيفيت نامطلوب، همسانی با ساير امور، حوزه‌ها و کارها است. اگر ادعا می‌شود که کيفيت کار حسابرسی پايين است، به معنای آن نيست که کيفيت در کارهای ديگر خوب است. همه می‌دانند اگر يک عنصر با شرايط ديگر که معمول و متداول است ناهمخوانی داشته باشد، ممکن است موجب بی‌نظمی و تخريب هم بشود. تا زمانی که در کشور اراده واقعی برای درستکاری، شفافيت و نظم وجود نداشته باشد، حسابرسی به‌تنهايی نمی‌تواند بار اصلاح را به دوش بکشد.
ايجاد موسسه‌های حسابرسی جديد که مرتب بر تعداد رقبا در بازار کوچکی که وجود دارد می‌افزاید، يکی از عوامل کاهش کيفيت است. اگرچه تعداد موسسه‌های حسابرسی نبايد آن چنان کم باشد، که شائبه انحصار را به ذهن آورد، تعداد موجود هم برای بازار حسابرسی فعلی بيش از اندازه است و نشانه‌های اين آثار منفی را می‌توان به‌راحتی مشاهده کرد. هنگامی که صاحبکاران از گزارش يک موسسه حسابرسی، رضايت ندارند و آن را مغاير با خواسته‌های خود می‌دانند، به راحتی به موسسه‌های ديگر مراجعه می‌کنند. گرچه هيچ ايراد ظاهری بر اين امر نمی‌توان وارد کرد، اما با نگاهی از درون، می‌توان مراجعه به حسابرسانی را که به ناچار بايد بخشی از وظايف خود را ناديده بگيرند، مشاهده کرد.
استقلال حسابرسانی که درامد سالانه آنها کم است، در مقابل صاحبکارانی که کمترين سرفصل هزينه آنها از چند برابر درامد سالانه حسابرس بيشتر است، به‌شدت در معرض خطر است و به‌همين دليل ساختار حسابرسی کشور باید به سوی تشکل حسابرسان در تعداد کمی از موسسه‌ها تشويق يا هدايت شود.
در ايران، ذینفعان جدی که به دنبال گزارشگری با کيفيت و صورتهای مالی واقع‌نگار باشند، کمتر ديده می‌شوند. در بسياری از موارد ديده می‌شود که حسابرس عدم رعايت استانداردی را گزارش کرده که بر سود شرکت اثر می‌گذارد، ولی فعالان از جمله سهامداران اصلی و در نتيجه اکثر اعضای هيئت‌مديره (به دليل سودآورتر نشان دادن شرکت)، سهامداران جزء (به دليل دريافت سود سهام بيشتر) و حتی سازمانهای ناظر (به‌دليل دستيابی به شاخصهای بهتر)، با اين موضوع برخورد جلوگيرانه ****نمی‌کنند و به نظر می‌رسد همه به نوعی با اين وضعيت سازگاری و موافقت دارند.
يکی ديگر از عوامل پايين بودن کيفيت حسابرسی، تغيير ادواری حسابرسان است. حسابرسان بدون ترديد در سالهای نخستين تصدی حسابرسی يک واحد، شناخت، سابقه و تجربه لازم درمورد محيط، کنترلها، سبک اداره و خصوصيات مديران ندارند و با اين‌که هيچ حسابرسی اين ضعف شناخت در سال يا سالهای نخست و افزايش شناخت در سالهای بعد را نمی‌تواند انکار کند، مخالفت قاطع با اين موضوع نه از جانب جامعه حرفه‌ای نه از جانب حسابرسان ابراز نمی‌شود.
شايد بعضی از حسابرسان تصور می‌کنند در نتیجه اين تغيير وضع آنان نيز تغيير کند. با تاسف بايد گفت تغيير ادواری حسابرسان نه‌تنها موجب کاهش سطح شناخت می‌شود، بلکه در بسياری از موارد ابزاری برای رودررويی با استقلال و درستکاری حسابرسان شده است و با تاسف بيشتر، سازمان بورس نيز به اين رويه مهر تاييد زده و آن را برای شرکتهای ثبت شده نزد سازمان اجباری کرده و فقط سازمان حسابرسی را از اين حکم مستثنا کرده است.
اگرچه حفظ استقلال بهانه اين حکم است، در عمل به‌راحتی می‌توان مشاهده کرد که اين حکم ابزاری برای دوری کردن از حسابرسان مستقل‌تر و مراجعه به حسابرسان ضعيف‌تر شده است. استقلال يک عنصر اخلاقی و شخصيتی است. چه بسا افرادی که در همان ديدار معارفه استقلال خود را از دست می‌دهند و چه بسا کسانی که استقلال خود را نه‌تنها در برابر صاحبکاران قديمی، که حتی در برابر نزديکترين کسان خود از دست نمی‌دهند و چه بهتر بود که به حکم آيين رفتار حرفه‌ای و تغيير مدير و مسئولان کار در داخل موسسه رضايت داده می‌شد تا گوهر ارزشمند شناخت و نيز سوابق و پرونده‌های حسابرسی از دست نرود.
عنصر ديگری که موجب کاهش کيفيت يا کم‌بها شدن حسابرسی است، شيوه‌های گزارشگری است. به‌عنوان مثال اگر حسابرس يک تحريف يا محدوديت را آن‌چنان در گزارش خود بنويسد، که مفهوم را به‌سادگی و درستی منتقل نکند، او وظيفه خود را به‌درستی انجام نداده و گويی مطلب نوشته شده فقط برای آن است که اگر روزی با پرسشی روبه‌رو شد، بتواند به آن نوشته استناد کند. موارد زيادی مشاهده می‌شود که آن‌چه واحد مورد رسيدگی بايد در يادداشت‌های توضيحی ارائه و افشا می‌کرد، در گزارش نوشته شده و آن‌چه بايد در گزارش نوشته می‌شد، در يادداشت‌ها آمده است. در برخی موارد به جای گزارش عدم رعايت مقررات، رعايت مقررات آن ‌هم به شکل مبهم توصيه شده است.

**چگونگی ارتقای کيفيت حسابرسی در ايران**
شرط اصلی و لازم برای ارتقای کيفيت حسابرسی، بالا رفتن اعتماد و پذيرش عمومی، اثرگذاری و مشارکت مردم در سرنوشت آنان است. اگر فضای عمومی جامعه ياس‌آور باشد و حسابرسان تصور کنند که کار آنها بيهوده يا کم‌ارزش است و اگر آنان برای شفاف‌سازی و رعايت استانداردها و مقررات، نهايت تلاش خودرا به کار می‌برند و هزينه‌های خاص درستکاری خود را می‌پردازند، رفتار آنان بر سرنوشت کشور و در نتيجه سرنوشت شخصی و خانوادگی آنان اثرگذار است. چنانچه برای انجام وظيفه درست تلاش کرده‌اند، اگر پاداشی نمی‌گيرند، لااقل فشارهای چندجانبه به آنان وارد نشود، و اگر در حال ايستادگی در مقابل شفاف نبودن و رعايت نکردن ضوابط استاندارد و مقررات، به آنان خبرهای ناگوار سوءاستفاده‌های کلان نرسد، بخش زيادی از نيازهای بالارفتن کيفيت تامين خواهد شد.
يکی از راههای افزايش کيفيت حسابرسی فراهم کردن شرايط مناسب و عادلانه برای پاسخگويی حسابرسان نسبت به کار انجام شده و گزارشهای صادرشده توسط آنها است. شرايط پاسخگويی هنگامی عادلانه است که انتظار از حسابرسان برای رعايت الزامات، کيفيت کار و گزارشگری حسابرسان، يکسان باشد.
بايد اول سطحی از انتظار در مورد همه حسابرسان تعريف شود و کارهای لازم از جمله نظارت، رسيدگی و پاسخگويی برای دستيابی به آن سطح انتظار انجام شود و سپس سطح انتظار بالا برود و گرنه چنان‌چه انتظارات نامتعادل از حسابرسان و موسسه‌های حسابرسی وجود داشته باشد، منجر به کاهش کيفيت بيشتر خواهد شد.
از ابزار ديگر دستيابی به کيفيت مناسب و عادلانه، کار موثر درمورد شيوه‌های بررسی، چگونگی تصميم‌گيری و علنی کردن موضوعهای مورد اشکال و آرای هيئت‌های انتظامی است. اين شيوه، آرای هيئت‌های انتظامی را به نظم خواهد آورد و چون همگان می‌توانند موضوع و نتايج را مشاهده کنند، هم عملکرد و آرای هيئت‌ها تنظيم می‌شود وهم موجب آموزش يا عبرت ديگران و نیز وسیله‌ای برای توجیه حسابرسان برای ایستادگی در مقابل خواسته‌های نامعقول صاحبکاران خواهد شد.
از راههای ديگر بالا بردن کيفيت حسابرسی، افزايش سطح دانش حسابرسان است. يکی از هدف‌های تشکيل جامعه حسابداران رسمی ايران طبق ماده 2 اساسنامه، بالا بردن دانش تخصصی حسابداران رسمی از طريق گسترش و بهبود آموزش، انجام تحقيقات و انتشار نشريات تخصصی و حرفه‌ای است. چنان‌چه به‌طور خلاصه هدف يادشده را بالابردن کيفيت حسابرسی بدانيم، جامعه می‌تواند برای دستيابی به اين هدف هم از نشريه حسابدار رسمی و هم از تارنمای جامعه استفاده کند.
به جهت سرعت اطلاع‌رسانی، تارنمای جامعه نقش مهمتری دارد و جامعه می‌تواند اطلاعات مورد نياز حسابداران رسمی را از آن راه به اطلاع آنان برساند. اين امر بايد با حساسيت انجام شود و اطلاعات کاملاً مربوط در بخش اخبار ارائه شود، سابقه‌ آن باقی بماند و همواره قابل دسترس باشد. اطلاعاتی که مربوط هستند ولی نسبت به وظيفه اصلی جامعه در رده‌های بعدی قرار می‌گيرند، بهتر است در پنجره‌ای ديگر قرار گيرد تا کاربرانی که علاقه چندانی به مشاهده آن اطلاعات ندارند، اخبار مهم را از دست ندهند.
اطلاعاتی کاملاً مربوط تلقی می‌شود که در وظيفه حسابداران رسمی اثر مستقيم داشته باشند. اطلاع‌رسانی در مورد تصويب و لازم‌الاجرا شدن استانداردهای حسابداری و حسابرسی و قوانين و مقررات مرتبط با وظيفه حسابداران رسمی نمونه‌هايی از اخبار کاملاً مربوط هستند.
نشريه حسابدار رسمی به‌عنوان يک ابزار نوشتاری که همواره می‌تواند در دسترس حسابداران رسمی باشد، هم بايد اطلاعات ارائه شده در تارنما را منتشر کند و هم وسيله‌ای مهم برای آموزش باشد. به نظر می‌رسد بهتر است به‌جای چاپ مقاله‌هايی که می‌تواند در مجلات دانشگاهی چاپ شود، استانداردهايی که در آينده نزديک لازم‌الاجرا هستند در مجله مطرح شود و راهنمای به‌کارگيری استاندارد و متن آموزشی مناسب همراه با بيان و ارائه نمونه‌های ساده تا پيچيده در مورد موضوع‌های مندرج در يک استاندارد در آن چاپ شود تا مرجعی آموزشی و قابل دسترس برای حسابداران رسمی باشد.
به اين ترتيب حسابداران رسمی قبل از لازم‌الاجرا شدن يک استاندارد حسابداری با موضوع‌های مرتبط با آن آشنا می‌شوند و سپس در عمل نيز پس از لازم‌الاجرا شدن استاندارد با مراجعه دوباره به متن‌های چاپ شده، اشکال‌هايی که در ذهنشان مطرح می‌شود مرتفع می‌شود.
اين نياز بسيار شديد است، به‌گونه‌ای که به‌عنوان نمونه، با آن‌که استاندارد حسابداری سود هر سهم از آغاز سال 1389 لازم‌الاجرا بوده، اگر صورتهای مالی حسابرسی شده سال 1389 شرکت‌های پذيرفته شده در بورس را مشاهده کنيم، مشخص می‌شود که تعداد زيادی از حسابرسان اصولاً با اين موضوع آشنا نبوده‌اند و درموارد زيادی استاندارد سود هر سهم اصولاً رعايت نشده و شکل ارائه سود هر سهم در صورتهای مالی همانند قبل بوده و يا در صورتی که استاندارد ياد شده مورد توجه قرار گرفته، در موارد زيادی برداشت درستی از آن وجود نداشته است.
موضوع ديگری که در اين زمينه بايد بيان کرد، استفاده از دوره‌های آموزشی مرتب و منسجم برای آموزش استانداردهای جديد برای همه حسابداران رسمی است که می‌تواند پس از تهيه راهنمای به‌کارگيری استاندارد و طرح و جمع‌آوری مثالهای گوناگون از ساده به پيچيده، اين‌گونه استانداردها را به همه حسابداران رسمی آموزش داد.

**پرسش و پاسخ فنی**
يکی از راه‌های هماهنگی در انجام کار و ارتقای کيفيت حسابرسی، برخورد فعال کارگروه‌های فنی، استانداردهای حسابداری و حسابرسی، قوانين و مقررات است. سازماندهی در اين مورد بايد به‌گونه‌ای باشد که اگر يک حسابدار رسمی در انجام کار خود با پرسشی، ترديدی و ابهامی مواجه شد، بتواند آن را به‌سادگی به جامعه منتقل کند و آن پرسش در فرصت بسيار کوتاهی بررسی شود و با استناد به بندهای استانداردهای حسابداری و حسابرسی، مواد قانون يا بخشنامه‌های قانونی مرتبط، پاسخ داده شود.
اين موضوع نبايد به صورت فردی به پرسش‌کننده منتقل شود، بلکه بايد ابتدا به وسيله تارنما و سپس از راه چاپ در مجله به اطلاع عموم حسابداران رسمی برسد. اين رفتار موجب هماهنگی در برخورد حسابرسان با موضوعات فنی می‌شود که به مراتب مهمتر از مثلاً يک دستورالعمل حسابرسی يا چک ليست است که هر موسسه می‌تواند به‌تنهایی و با در نظر گرفتن شرایط و ریسک‌های موسسه مانند صاحب‌کاران و سطح دانش و تجربه کارکنان خود تهیه کند.
وجود چنين سازوکاری موجب می‌شود که صاحبکاران نتوانند از شکافی که در دانش حسابرسان وجود دارد، استفاده کنند و به ميزان قابل توجهی رفتار حسابرسان را، اگرچه تمايل به برآوردن نياز صاحبکار داشته باشند، يکنواخت خواهد کرد. شرط دستيابی به اين ميزان از هماهنگی مبهم نبودن پاسخ‌ها و نوشته‌ها و در اختيار همه اعضا گذاشتن با وسايلی که گفته شد و در کوتاهترين زمان ممکن است.